میزان: نگاه پژوهشگر

# رساله‌ی حجابیه

## سلسله گفتارهایی درباره مسئله حجاب و بررسی آن از زوایای گوناگون / بخش نخست

عمادالدین باقی
نویسنده و پژوهشگر حقوق‌بشر

**پیش از هر چیز بسیار جای تاسف دارد که ۴۴سال پس از انقلاب ایران، به دست آوردن حقوق و فرصت هایی که پیش از انقلاب بسیار عادی و موجود بود به یک خواسته مهم و پرهزینه بدل شده است. پیش از انقلاب ۵۷ زنان و مردان به استادیوم می رفتند ولی چند دهه پس از انقلاب، کارزار برای دستیابی به امکان حضور زنان در صندلی تماشاچیان ورزشگاه راه می افتد و اگر کسی موفق شود این حق را استیفا کند به نظر می آید کار بزرگی کرده است. خبر ۵ دختری که ۲۷ اردیبهشت‌ماه۹۸ با گذاشتن ریش مصنوعی و تغییر چهره در کنار بیش از ۱۵ هزار هوادار مرد در شهر جَم بوشهر در استادیوم شرکت کرده بودند و خبر تعدادی از دختران که برای ورود به استادیوم لباس مردانه پوشیده و تغییر چهره داده و شناسایی و بازداشت شدند نمونه ای از آن است. همچنین است اصل حجاب. پیش از انقلاب، زنان معتقد و نامعتقد به حجاب، بدون هیچ ستیزه ای، آزادانه انتخاب می کردند و ارزش انتخاب حجاب به این بود که آن افراد مجبور به حجاب نبودند و همزیستی وجود داشت. و چنین است در حوزه سیاست. هنگامی که وزیر خارجه ایران با وزیر خارجه امریکا در جریان مذاکرات برجام در دوره روحانی دست می دهد یا به زبان انگلیسی حرف می زند یک اتفاق مهم تلقی می شود در حالی که پیش از انقلاب، سفر رئیس جمهور امریکا به ایران هم عادی بود. این روزها بحث درباره حجاب هنوز ادامه دارد. اخبار مجازات برخی از زنان بخاطر کشف حجاب مانند ۲۴ ماه حبس برای زنی که روسری خود را برداشته بود و نیز حبس ۵ ساله دکتر فرهاد میثمی، بازداشت جنجالی سپیده رشنو و اعظم جنگروی، جریمه کتایون ریاحی و پانته آ بهرام و عده ای دیگر، غیر از بازداشت ها و توقیف های گشت ارشاد است که پیوسته در جریان بوده. ولی آیا چالش حجاب مسئله جدیدی است و احتمال دارد که دسیسه ای برای مسئله سازی باشد؟ واقعیت این است که اصل بحث و چالش حجاب، تازگی ندارد. پیش از انقلاب نیز وجود داشت. کتاب «مسئله حجاب» از شهید مطهری در سال ۱۳۴۸ انتشار یافت و پیش از انهم چند کتاب دیگر در همین زمینه عرضه شد (نک: سعیدزاده ۱۳۷۱)، پس از انقلاب نیز در طول ۴۴ سال گذشته همین بحث های داغ وجود داشت. در اوایل دهه ۶۰ هم تظاهرات علیه بی حجابی و شعار «یا روسری یا توسری» و خطبه های نماز جمعه هاشمی رفسنجانی علیه بی حجابی و... اما آن بحث های داغ غالبا در دفاع از حجاب از اجباری در مطبوعات دولتی بود و رسانه غیر دولتی هم وجود نداشتند، ضمن اینکه فضای جامعه انقلابی بود و حقانیت ناشی از پیروزی انقلاب، آن را پشتیبانی می کرد و امید به جامعه ای سرشار از تحقق وعده های شیرین آن زمان دیگران را به تسامح ترغیب می کرد که اگر آن مدینه فاضله به وجود آید، می شود این اجبار را غمض عین کرد. عقیده جازم اکثریت هم حجاب اجباری را پذیرفتنی تر کرده و فقدان تفکر دموکراتیک در بسیاری از آنها تردیدی در این نمی گذاشت که این اکثریت می تواند سبک زندگی خود را به دیگران تحمیل کند. این روزها البته آرای متکثری وجود دارد. از مدافع حجاب اجباری تا منتقد یا منکر آن و آرای میانه. برخی می گویند:«حجاب علی رغم اهمیت، مساله ما نیست. مساله اصلی در نظام جمهوری اسلامی، مساله فساد و تبعیض است. این مساله موجب مساله دیگری می شود و آن کاهش اعتماد جامعه به نظام است. در فقدان اعتماد، هم تاب آوری جامعه در برابر فشارها کم می شود و هم، مخالفت و لج بازی با حکومت افزایش می یابد. اینها مسائل اساسی ما هستند و مسئله حجاب به عنوان مساله، به ما تحمیل نشود». ضمن درستی این سخن ولی دلیل نمی شود که این کار از آغاز درست بوده. اینکه مسئله ما فساد و تبعیض است نه حجاب، استحسان معکوس است. واقعیت این است که مسئله حجاب، دهها سال است در این کشور وجود دارد ولی در این شرایط و پس از تجربه ۴۴ساله و تغییرات و رشد اجتماعی حاصل شده، بازگشت به ادله حجاب اجباری درخور تامل است و مدافعان آن هیچ دلیل فربه تری از چهل سال پیش نمی آورند و ما برای حل مسئله باید سراغ سه منبع «نص»، «عقل» و «حق» و یا حقوق بشر برویم. جای تاسف است که قلم ها به جای پرداختن به مسائل اصولی تر باید در راه دفاع از ابتدایی ترین حقوق فرسوده شوند. این یادداشت ها در طول چند سال ذره ذره و در واکنش به مواضع و نظراتی که برخی افراد، مسئولان و روحانیون درباره دفاع از حجاب اجباری مطرح می کردند در فیش های متعددی نوشته ولی منتشر نشد. با ظهور جنبش مهسا و بروز نشانه های اولیه از مسئولان که در برابر موج سنگین جنبش، نگران شده بودند و مکرر می گفتند با اعتراض موافقیم اما با اغتشاش و خشونت مخالفیم و یا می گفتند گشت ارشاد روش درستی نبوده و یا اظهار می کردند که فرصت بدهید تا اصلاحاتی انجام بدهیم و....امیدواربودم این نوشته ها برای همیشه به بایگانی سپرده شده و هیچ وقت نیازی به انتشارشان نیفتد اما بعد از فروکش کردن جنبش مهسا و درست زمانی که انتظار می رفت شاهد تغییری در رفتار حکومت باشیم برخلاف انتظار و برخلاف وعده‌های داده شده ناگهان برخوردهای تندتر، سخت تر و پیچیده تری با موضوع بی حجابی و برداشتن روسری انجام شد که باعث افسردگی و خشم جامعه می شد و متاسفانه نوشته هایی که تصور می رفت دیگر به بایگانی سپرده شود بیش از گذشته برای انتشار موضوعیت پیدا کرد اما به دلیل بلند بودن آن که امکان انتشار روزنامه ها بخاطر صفات محدودشان نبود و اینکه شاید به صلاح روزنامه نباشد لذا به صورت سلسله گفتارهایی در ۱۵ قسمت از تاریخ سه شنبه ۲۹ فروردین۱۴۰۲ تا پایان اردیبهشت، در کانال تلگرام و اینستاگرام و فیسبوک نگارنده منتشر شدند. البته چند عبارت ان هم به صورت توییت و پست های کوتاه پیش از آن منتشر شده بود. اکنون تجمیع شده همه آنها یک جا تقدیم خوانندگان محترم می شود.**

### پاره یکم تقریر محل نزاع و دغدغه محوری

پیش از هرچیز باید موضع خود را مشخص کنم. نخست اینکه مقصود از حجاب در این بحث ها پوشش سر و روسری است نه اندام. از نظرفقهی نیز وجوب پوشش موی سر در مواردی منتفی و در مواردی محل اختلاف ولی وجوب پوشش اندام، متفق علیه است.

دوم اینکه برخلاف اپوزیسیون افراطی و پوزیسیون افراطی که یکی به بهانه مخالفت با حجاب اجباری، برهنگی و یا بی مرزی مطلق در پوشش را ترویج و دیگری به بهانه نگرانی از برهنگی، حجاب اجباری را توجیه می کند و متوسل به سرکوب می شود، به عنوان کسی که سالهاست با حجاب اجباری مخالفت کرده و تأملات جامعه شناختی دارد، معتقدم جامعه ایران اعم از مذهبی و غیر مذهبی، «حجاب و پوشش سر» با «برهنگی» و «بی مرزی در پوشش» را، دو مسئله کاملا متفاوت می داند. در شرایطی که محل منازعه، اجبار به پوشش موی سر است، استفاده از این بحث، برای تبلیغ برهنگی، عملی غیراخلاقی است و به جریان سرکوب مطالبات معقول و منطقی کمک می کند و شواهدی وجود دارد مبنی براینکه افزون بر افراطیون، پرستوها هم برای توجیه مقابله با مطالبات شهروندان با افراطیون همکاری می کنند.

سوم اینکه فرصت طلبی برای القای ایدئولوژی، ناپسند است. برای مثال اکانتی بود که بسیاری از پست هایش را لایک می کردم چون مربوط به ایران و طبیعت ایران بوده و از ان انتظار ورود به این موضوعات را نداشتم اما با انتشار عکس برهنه ای با شعار زن، زندگی، آزادی، گویی در پوشش پست های دوست داشتنی مربوط به ایران و طبیعت ایران (که مخاطب عام دارد و مذهبی و غیر مذهبی ندارد) سوء استفاده برای القای ایدئولوژی انجام می دهد و نباید حوزه‌های حرفه ای را مخلوط کرد.

چهارم اینکه اصولا برخی افراد و رسانه ها که وجهه مثبتی ندارند یا صرفا به سوگیری شناخته می شوند و حجاب را یک سنگر مبارزه سیاسی می دانند نه معضل حقوق بشری و اجتماعی و مذهبی، مداخله شان در موضوع حجاب اجباری بیشتر موجب نگرانی بخش هایی از جامعه شده و نتیجه معکوس می دهد. نگرانی از مواضع این افراد که مرجعیتی در جامعه ایران ندارند نیز نباید بر کنش خردمندان چیره شود زیرا سخن یک مجتهد و یا چهره سرشناس مذهبی و سیاسی یا یک زن محجبه در نقد حجاب اجباری صدها برابر اثرگذارتر است.

### پاره دوم مسائل زنان و مفهوم کلیدی اجبار

روند بحث من به گونه دیگری تنظیم شده بود اما بخاطر سخنان روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین رهبری جمهوری اسلامی در جمع سران قوا، مسئولان و کارگزاران نظام، مسئولان سابق و فعالان اجتماعی و فرهنگی نزدیک به حاکمیت برآن شدم این قسمت را به نکته ای از سخنان ایشان اختصاص بدهم. در این سخنرانی گفته شد: «مسئله خانم ها که فقط پوشش نیست زن مسئله تحصیل دارد، مسئله‌ی اشتغال دارد، مسئله‌ازدواج دارد، مسئله‌فعالیت سیاسی دارد، مسئله حضور در مسائل اجتماعی دارد، مسئله حضور در مدیریتهای بالای دولتی دارد، اینها همه مسائل زن است».

مسائلی که در این سخنرانی به عنوان مسائل زنان مطرح شده اند کاملا درست و بخشی از واقعیت است (نه همه واقعیت) اما چرا با وجود این همه مسئله، حجاب اجباری اهمیت یافته است به گونه ای که تصور می کنند دست خارجی در حدوث آن دخالت دارد؟

اگر دلیل مسئله روشن می شد چنین تحلیلی هم به وجود نمی آمد.

پاسخ مسئله را تا اندازه ای در کتاب «دنیای بسته» داده ام. بخش نخست کتاب تحت عنوان «ایده زندانوارگی» است و توضیح می دهد که چگونه زندان و جامعه بیرون از زندان از قواعد یکسانی پیروی می‌کنند و اینکه انسان، محصول جامعه است اما خمیری در دست جامعه نیست و ذاتاً کنشگری فعال و جبر ستیز است. فعال است و منفعل، اثر می‌گذارد و اثر می‌پذیرد. در فصل پایانی کتاب نیز بیان شده است که: اساساً بسیاری از آدم‌ها در زندگی بیرون از زندان، مدت مدیدی را در یک چاردیواری خانه یا کارخانه و اداره که گاه کوچک‌تر از زندان است بسر می‌برند اما احساس زندانی بودن نمی‌کنند و نمی‌گویند ما زندانی هستیم اما چرا به محض اینکه همان فرد در چاردیواری دیگری قرار می‌گیرد که مشابه همان زندگی جریان دارد اسمش را زندان می‌گذارد و اینهمه بحث و اضطراب ایجاد می‌کند و مشکل پدید می آید؟

در جامعه بیرون، اغلب انسان‌ها ممکن است در طول ماه‌ها و سال‌ها با افراد خیلی محدودی – و گاه حتی کمتر از تعداد زندانیان یک بند عمومی – سروکار داشته باشند ولی چرا به آن نمی‌گوییم «انقطاع از جامعه»؟ و یا اینکه افرادی ممکن است برحسب مقتضیات شغلی چند ماه به سفر بروند و یا در معدنی در دوردست‌ها کار کنند و مدت زیادی از خانواده خویش دور باشند اما احساس زندانی بودن ندارند و همان سخنانی که درباره یک زندانی گفته می‌شود را درباره او نمی‌گوییم و این جدا افتادگی از جامعه و خانواده را هر چند می‌دانیم سخت است، ولی شکنجه به شمار نمی‌آوریم؟ چرا؟

پاسخ فقط در یک کلمه نهفته است: «اجبار» یا عکس آن: «اختیار». همه راز و رمزها در لابلای آن «دیوار» خوابیده است، آن دیوار جداکننده! آن «دیوار»، مفهومش «اجبار» است.

در بیرون زندان ممکن است به دلیل سفر یا بیماری یا کار و غیره ماه‌ها نتوانید خانواده را ببینید یا ممکن است در محیط کوچک خانه یا اداره و کارخانه خود زندگی کنید و با جامعه ارتباطی بیش از ارتباط یک زندانی نداشته باشید اما نکته مهم این است که شما با اختیار خود این محدوده و محدودیت را برگزیده‌اید و مجبور به ادامه آن نیستید و هرگاه اراده کردید می‌توانید بدان پایان دهید. آنچه زندگی در زندان را با زندگی در بیرون زندان از نظر کیفی متفاوت می‌سازد فقط وجود عنصر «اجبار» یا «اختیار» است. دقیقا به همین روی است که محتمل است آدمی چند سال یکبار هم سفر نکند... تا هنگامی که کسی با اختیار و انتخاب و اراده آزاد خویش زندگی در محله یا شهری را برگزیده و سفر نمی‌کند احساس ناخوشایندی ندارد اما به محض اینکه به همان شخص بگویند محکوم به اقامت اجباری در این شهر است و حق خروج از آن را ندارد و یا حتی سقوط بهمن و حوادث طبیعی او را مجبور به اقامت در مکانی کند و نتواند با اراده خویش تغییر موقعیت دهد، همان مکانی که چند سال بود با احساس آزادی در آن زیسته و سفر نکرده بود –حتی اگر شهری بزرگ باشد– برای او تبدیل به زندان می‌شود و در آنجا احساس آسودگی نمی‌کند.

برای یک بیمار در بیمارستان نیز، اگر بهترین فضاها و جذاب‌ترین شرایط فراهم شود چون مجبور به اقامت در چنین مکانی است با وجود این‌که حضور در بیمارستان برای سلامتی و بقای خودش واجب است اما میل به گریز دارد. از نظر ذهنی همین که انسان می‌اندیشد، مجبور است و دیگر اختیار ندارد هر زمان اراده کرد جابجا شود، عرصه برایش تنگ و رنج‌آور می‌شود. به میزانی که این اجبار شدیدتر باشد، احساس رنج و عدم‌تحمل نیز شدیدتر است مگر آن‌که فرد دچار «تسلیم‌مطلق» و یا «درماندگی آموخته شده» گردد... جوهر دنیای بسته (و زندان) «جبر» و جوهر انسان «آزادی» است.

بنابراین اصل مسئله در اجباری بودن حجاب است وگرنه در اغلب کشورهای اسلامی که اجباری در کار نیست تا واکنشی برانگیزد، اکثریت مسلمانان حجاب اختیاری دارند.

### پاره سوم حجاب اجباری به استناد قانون

پس از بحث های فراوانی که در این سال ها میان اهل علم– اعم از مجتهدان و دین پژوهان و حقوقدانان– با اصحاب حکومتی مدافع حجاب اجباری صورت گرفت و روشن گردید که این اجبار، پشتوانه دینی محکمی ندارد، متوسل به روش عرفی تری برای توجیه کار خود شده و می گویند حجاب اجباری «قانون» است و اصلا هر قانونی متضمن یک نوع اجبار است. باید به قانون تمکین کرد. حتی به کنشگران حقوقی یا اصلاحگر انتقاد می کنند که مگر شما مدعی قانونگرایی نیستید؟ چرا با این قانون مخالفت می کنید؟ برای نمونه، میزان، پایگاه خبری قوه قضاییه، پنج شنبه۲۴ فروردین۱۴۰۲در مقاله ای تحت عنوان «پاسخ به برخی شبهات در مورد برخورد با کشف حجاب در خودرو» می نویسد:

در روزهای گذشته این شبهه در فضای مجازی ایجاد شده است که توقیف خودرو به علت عدم رعایت حجاب هیچ مستند قانونی ندارد و جرم نیست و افرادی که اقدام به توقیف خودرو کنند مرتکب جرم شده‌اند / طبق تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، کشف حجاب در انظار و معابر عمومی، جرم‌انگاری شده است /وفق تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، فضای داخل خودرو، حریم شخصی محسوب نمی‌شود و فضایی در مَرئی و منظر عموم مردم است /طبق ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری، جرم مشهود تعریف و تبیین شده و وظایف و اختیارات ظابطان مقرر شده است /کشف حجاب، جرم مشهود است و ضابطان موظف به ورود مستقیم درجهت مقابله با مجرم و اسباب جرم می‌باشند».

فراجا نیز پیامک زیر را به دفعات برای شهروندان فرستاده است:

«هم وطن گرامی؛ احترام به قانون حجاب و رعایت آن، مانند هر قانون دیگری ضروری است. معاونت فرهنگی و اجتماعی فراجا». این پیامک های انبوه فراجا بازتاب زیادی در شبکه های اجتماعی داشت به گونه ای که نیروی انتظامی ناگزیر از توضیح دادن شد. علم‌الهدی امام جمعه جنجالی مشهد نیز گفته است: «وقتی زنی قانون حجاب را رعایت نمی کند درحقیقت خودش حق اجتماعی خود را نابود کرده زیرا از قانون تخلف کرده است».

احمد خاتمی خطیب جمعه تهران نیز گفته است: «حجاب، قانون است و قانون را اجبار نامیدن مغلطه به شمار می رود، در همه جای دنیا به قانون احترام می گذارند. با پسوند اجبار نباید حجاب را خراب کرد، نفس واژه حجاب اجباری غلط و برای تخریب حجاب است»

توسل به روش عرفی و قانون، خودش، یک گام به پیش است و مستندات مطرح شده در توجیهات مذکور در سایت قوه قضاییه، وجود دارند اما:

فلسفه قانون، تامین عدالت، نظم، برابری حقوقی و آسایش عامه است. اگر قانونی برخلاف فلسفه وجودی خود وضع شود هیچ اعتبار قانونی ندارد و موجب بهم ریختگی و بی عدالتی است و باید لغو شود. برای فهم مسئله، مثال را کمی رادیکال می کنم. برای مثال آیا اگر پارلمانی قانون وضع کند هرکس ریش گذاشت اعدامش کنید، یا اگر کسی از چراغ قرمز عبور کرد سنگسار شود و... به صرف اینکه مجلس تصویب کرده و قانون شده اعتبار هم دارد و باید به آن تمکین کرد؟

اینکه هر قانونی متضمن اجبار است نیز مغالطه است زیرا قانونی که در یک پارلمان برآمده از انتخابات مستقیم ودموکراتیک توسط مردم تصویب شود دیگر اجرای آن ازنوع اجبار نیست، مانند خانه ایست که برای سکونت اختیار کرده اید نه اینکه مجبور به سکونت در آن شده اید.

قانون دموکراتیک، سودمند است و محدودیت های آن اختیاری و برای مصلحت های بزرگتر است و چنین قانونی نمی تواند مخالف فلسفه قانون باشد و حقوق اقلیت را نادیده بگیرد.

بخشی از توجیهات قوه قضاییه درباره قانون و حریم خصوی نبودن اتومبیل است و چون درباره اینکه خودرو حریم خصوصی است قبلا نوشته ام به آن ارجاع می دهم (حق حریم خصوصی، سازندگی، سه شنبه۲۷تیر۱۳۹۶ص۸)

### پاره چهارم لجبازی و جایگزین کردن ترجیحات ایدئولوژیک و حامی پروری با اصول حقوقی

پس از فروکش کردن جنبش مهسا و درست زمانی که انتظار می رفت در پی دهها کشته و مجروح و هزاران زندانی، شاهد تنبه و تغییری در رفتار حکومت و تلطیف فضای سیاسی باشیم اما بجز عفو گسترده بازداشتی ها، با رفتاری به مراتب خشن تر روبرو شدیم و گرچه گشت ارشاد تعطیل شد ولی اقداماتی به مراتب بدتر از گشت ارشاد مانند جریمه، طرد، سلب هویت (مسدود کردن کارت ملی و..)، راه ندادن به ادارات، پلمپ مراکز و فروشگاه هایی که افراد بدون روسری را راه می دهند (گروکشی معیشت) و... در دستور کار قرار گرفت که همگی خلاف قانون و شرع بود. همزمان با بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در نخستین روز پس از پایان یافتن تعطیلات نوروزی نیز سه وزارتخانهٔ علوم، بهداشت و آموزش و پرورش ایران در اطلاعیه‌هایی جداگانه اعلام کردند که «به دانشجویان و دانش‌آموزانی که حجاب را رعایت نمی کنند، خدمات آموزشی، رفاهی و خوابگاهی ارائه نخواهد شد». خبرگزاری فارس نیز با راه‌اندازی کمپینی خواستار جرم‌انگاری کشف حجاب شده و نوشت حدود صد هزار نفر خواستار برخورد جدی مسئولان با پدیده‌بی‌حجابی شده‌اند.

اصلا نه تنها صدهزار نفر بلکه چند میلیون نفر هم باشند حق چنین اقدامی را ندارند. حقوق بشر (چنانکه آیت الله مطهری هم به آن تصریح داشته) جزو حقوق ذاتی انسان است و کسی این حقوق را اعطا نکرده که بگیرد، نه حکومت، نه طومارنویس ها. این نشان می دهد با کسانی طرفیم که الفبای حقوق بشر و شهروندی و مدنیت را هم نمی شناسند.

برخی پیوسته با طرح این سوال گمراه کننده و عوامفریبانه که اگر جلوی برداشتن روسری نایستیم این جریان تا کجا پیش خواهد رفت؟ بخشی از جامعه را در برابر روسری برداشتن، تحریک به برخورد می کنند، افزون بر اینکه به جای توجه به اصول حقوقی دارند بر پایه ترجیحات ایدئولوژیک خود، نزاع درست می کنند، به این نکته توجه ندارند که اساسا اگر حکومت دست از رفتارهای مردم گریز، حامی پرور و خودی و غیر خودی کردن بردارد و این تصور را که فقط یک گروه سرسپرده و متملق حافظ انان خواهند بود و باید فقط روی حمایت انها حساب کنند و انها را ارتقاء دهند و بقیه را فرونهند، باطل کند (البته تجربه نشان داده که تاکنون بیشترین ضربه را هم از سوی همین گروه خورده اند) و مردم طعم مدارا، محبت، امنیت و شهروندمداری را از سوی حکومت بچشند، احساس ننگ و عار از همکاری با حکومت نخواهند داشت و خودشان داوطلبانه و با اختیار و اشتیاق، قانون را، ظواهر شرع و ضوابط اخلاقی را چنانکه تاکنون رعایت می کردند رعایت خواهند کرد و نیازی به مداخله حکومت نیست.

### پاره پنجم تغییرات عمیق در جامعه و بی‌تفاوتی به منکرات اعظم در حکومت

برداشتن روسری لزوما به معنای بی دینی نیست. در همین سال های نزدیک در عهد پهلوی که نسل ما درک کرده است، بی حجاب های فراوانی بودند که نه فقط روسری نداشتند (که وجوب آن محل اختلاف است) حتی پوشش اندام که محل اختلاف نیست را هم نداشتند اما به حرم امام رضا(ع) و عتبات و کعبه می رفتند و آنجا با حجاب وارد می‌شدند. تعدادشان چندان بود که نمی شد استثنا قلمداد کرد.

در سال های اخیر چندین نظرسنجی ازسوی نهادهای علمی مستقل و نهادهای حکومتی نشان‌داده است بخش قابل توجهی از جامعه و متدینین با حجاب اجباری-نه با اصل حجاب– مخالف هستند.

با اینحال سکانداران از خود نمی پرسند چرا بسیاری از خانواده های متدین با مسئله برداشتن روسری

به راحتی کنار آمده اند؟ پاسخ هایی مانند دست دشمن و فریب خوردگی و... پاسخ های تکراری، کلیشه ای، اغواگر و نادرست اند و می توان عینا همین عوامل (دشمن و فریب و...) را به اجباری کردن حجاب هم نسبت داد.

واقعیت این است که بسیاری از خانواده ها، تغییر عمیق نسلی و فرهنگی را پذیرفته اند و می دانند با مقابله کردن، وضع را بدتر می کنند و می دانند در طول تاریخ این نوع تغییرات پیوسته در حال رخ دادن بوده است و مدیریت و هدایت آن بهتر از جنگیدنِ بی ثمر با آن است. آنها می دانند پیش از انقلاب با حجاب و بی حجاب بدون اینکه نزاعی داشته باشند با هم زندگی می کردند اکنون هم در پارک ها و مکان های عمومی آنها با هم مشکلی ندارند. اینکه گفته می شود «در جامعه عقاید مختلف به مسائل وجود دارد که مانعی ندارد؛ دشمن مایل است مردم بخاطر سلایق مختلف با هم دعوا کنند» سخن درستی است ولی این دخالت عوامل حکومتی در پشتیبانی یکی از این سلایق و تخریب و کوبیدن سلایق دیگر است که وضع عادی همزیستی را تبدیل به مشکل و نزاع کرده است.

مردم معتقدند که حکومت به گناهانی بسیار بزرگتر از نداشتن روسری توجه نمی کند، خطبا و مدیران، یک هزارم حساسیت و واکنش و خشونتی را که برای مقابله با برداشتن روسری نشان داده اند برای مقابله با فقر، گرسنگی، بیکاری انبوه، تن فروشی از سر ناچاری، اختلاس، ربا، بازداشت ها و محرومیت های خلاف قانون، نقض حقوق زندانیان، احکام ناعادلانه، کثرت اعدام ها و... نشان نداده اند و حجاب، پوششی برای حفظ ظاهر و بی‌اعتبار کردن دین در باطن شده است. دفاع از روسری اجباری- نه اصل حجاب- دفاع از ظلم و بی عدالتی است. مردم احساس می کنند عده ای برای انحراف جامعه از مشکلات اصلی و سرپوش گذاشتن بر ناتوانی های خود در اقتصاد و اداره کشور تعمدا این مسائل را عمده می کنند. برخورد با خانم های بی روسری تاکنون نتیجه عکس داده و می دهد و برای سلامت و آرامش شهروندان هم زیانبخش است.

بدون شک اگر با منکرات اعظم برخورد شود و تنفر از دین برای مردم ایجاد نشود مردم خودشان بسیاری از امور را رعایت می کنند.

## پاره ششم واکنشی بودن بخشی از مسئله و روند قهر آمیز شدن

بخشی از رفتار جامعه در مسئله روسری اجباری، واکنشی است. افراد زیادی را دیده ام که به خانواده های متدین تعلق دارند و می گویند مادامی که حکومت بر اجبار به حجاب اصرار دارد انها مصمم هستند روسری بردارند تا زمانی که این رفتار حکومت پایان پیدا کند. در واقع این خود حکومت است که حجاب را به سنگر مبارزه با خود بدل کرده است. هجده سال پیش مرجع عالیقدر آیت الله منتظری این وضعیت را به روشنی پیش بینی کرد. این استفتاء انجام شد: «همانطور که حتماً در جریان قرار گرفته اید مدتی است که در شهرهای مختلف ایران به اسم برخورد با بدحجابی و امر به معروف، جوانان را در خیابان به بهانه حجاب غیر اسلامی دستگیر و بازداشت می‌کنند و حکم جریمه و شلاق در مورد این افراد اجرا می‌شود. حضرتعالی که از مراجع بزرگ شیعه هستید آیا برخورد های فوق را به بهانه اصلاح جامعه از نظر دین اسلام صحیح می دانید؟ و آیا به اعتقاد شما چنین برخوردهایی نتیجه بخش خواهد بود؟ با آرزوی سلامتی و طول عمر برای آن مرجع عالیقدر. احمد رضا شیری، روزنامه نگار از مشهد». ایشان در پاسخ نوشتند:

«باسمه تعالی. پس از سلام؛ امر به معروف و نهی از منکر با تحقق شرائط واجب است. ولی این قبیل کارها ایذاء و عقده‌گشایی است، نه امر به معروف؛ و صددرصد نتیجه معکوس دارد. والسلام علیکم ۱۳۸۳/۴/۲۶- حسینعلی منتظری»

توجه کنید که این استفتاء مربوط به ۱۸ سال پیش است یعنی سالهاست یک ملت با این مسئله پیش پا افتاده دست به گریبان است و این شیوه ناپسند قربانی می گیرد و چنگ به امنیت شهروندان و حیثیت ایران و اسلام می زند.

در سخنانی دیگر به نحو دقیق تری تبدیل شدن مسئله روسری را به نافرمانی مدنی و مبارزه منفی پیش بینی کرده و گفتند: «اگر حاکمیت وظایف خودش را در بخش‌های دیگر انجام ندهد و افراد به مبارزه منفی با او روی آورند جامعه زنان نیز با عدم رعایت حجاب نافرمانی می‌کنند. در این شرایط اگر حاکمیت اسلامی به اعمال روش‌های قهرآمیز مبادرت کنند قطعاً نتیجه عکس خواهد گرفت و نافرمانی را از حجاب به دیگر عرصه‌ها گسترش می‌دهد» (پاسخ به پرسش‌های دینی، جلد اول، صفحه ۳۶۱)

چالش حجاب که بسوی قهرآمیز شدن از دوسو می رود و پیامدهای بزرگی خواهد داشت، ریشه در نفرت دارد. آنوقت که با گیوتین نظارت استصوابی، تخم این نفرت ها را کاشتید و به هشدار کارشناسان درباره افول سرمایه اجتماعی توجه نکردید باید فکر امروز را می کردید. امروز هم اگر راهی برای رفع نفرت جامعه پیدا کردید چالش حجاب نیز خودبخود حل می شود.

امروز یکی از شیوه های بدتر از حجاب اجباری این است که حتی راه گفتگوی نظری آزادانه درباره آن را هم مسدود کرده و طبق روال همیشه با بالا بردن هزینه بحث درباره این مسائل دیگران را مرعوب و ممنوع می و دریک تریبون رسمی می گویند: «جریانی که بی‌حجابی را تئوریزه می‌کند، گناهش بدتر از بی‌حجاب‌ها است» (شرق، شماره ۳۰۹۹ - ۱۳۹۶ شنبه ۱۲ اسفند ص۱و۱۵).

ما چگونه باور کنیم که تعصب به حجاب از سر دینداری و غیرت مذهبی است؟ اگر شما ببنید کسی در مسجد لواط می کند ولی به دیگری می گوید ملعون چرا در خانه تف انداختی چه می گویید؟ در شرایطی که به نوشته مطبوعات داخل کشور دختران ایرانی، چون برده در کشورهای خلیج فارس و... برای خوشگذرانی دیگران به فروش می روندو این دختران معصوم بخاطر فقر وحشتناک خانواده ها برده شده اند و مسئولان کشور حتی اگر یک مورد آن (نه دهها مورد) واقعیت داشته باشد باید مرگ خود را از خدا طلب کنند، چگونه باور کنیم تعصب شان به حجاب را؟! اگر نگران بودند با سیاست های شان دنیا را علیه ایران نمی شوراندند تا فقری را تحمیل کنند که ثمره اش بردگی ناموس ایرانی و مسلمان باشد. در دنیایی که همه دنبال منافع خود و مسابقه رشد اقتصادی هستند، گویی سکانداران ایران برای فقیرتر کردن ملت مسابقه گذاشته اند و ان را به اسم استقلال توجیه می کنند و می گویند دشمن نمی خواهد ما مستقل باشیم. مگر ویتنام، چین، ژاپن و.... مزدورند؟ آنها که مستقل تر و مرثرتر از حاکمیت کنونی در نظام بین الملل هستند و دنیا را به خود محتاج کرده اند.

## پاره هفتم توجیهات دفاع از حجاب اجباری

از آنجا که ادعاهای دینی مهم ترین ابزار برای توجیه روش های قهری شده و بخشی از جامعه را دربرابر بخشی دیگر قرار می دهد ناگزیر از پرداختن به آن هستیم.

پیش از ورود به بحث از منظر دینی یادآور می شود که آیت‌الله جعفر سبحانی- که حق استادی بر گردن من دارند- مدتی پیش گفته اند: «انسان اگر چیزی را بلد نیست نباید در مورد آن اظهار نظر کند. همان طور که روحانیت در مسائل فیزیک و شیمی و علوم دیگر اظهار نظر نمی کند دیگران هم نباید در مورد حلال و حرام و مسائل دینی که در آن علم ندارند دخالت کنند. اظهار نظر در مورد حجاب نباید از سوی افراد غیرمجتهد باشد، چیزی که حرام است اجباری بودن و نبودن آن معنایی ندارد. حجاب جزو مسلمات دین است و در قرآن کریم آیه های زیادی در این مورد وجود دارد».

درباره حرام بودن یا جزو مسلمات بودن در قسمت های بعدی سخن خواهم گفت اما در این فراز به موضوع دخالت غیر متخصص می پردازم که اصل آن درست ولی کاربردش نادرست است.

یکم: موضوع حجاب امری شخصی، عرفی و مربوط به زندگی فردی و مسئله ای بشری و مربوط به پذیرش و تصمیم آدمیان است نه امری تخصصی مانند فیزیک‌و شیمی.

دوم: برخلاف آنچه فرموده اند در عمل، روحانیت در همه مسائل غیر مرتبط با تخصص خود دخالت کرده و می کند از جمله حکومت که ربطی به صنف روحانیت و فلسفه وجودی آن ندارد. آیت الله خمینی هم گفته بود حکومت موعود او حکومت روحانیت نیست و خود ایشان هم می خواهد برود قم سکونت کند و اگر جز این گفته بودد قطعا مردم انتخاب دیگری کرده بودند.

سوم: روحانیت با پشتیبانی منابع مالی حکومتی چهار دهه هزینه گزافی صرف اسلامی کردن علوم اجتماعی کرده است. الف: فقیه اساسا چه تخصصی در علوم اجتماعی و تجربی دارد؟ ب- نتیجه چه بوده است؟ جز شکست مطلق و برباد دادن میلیاردها تومان پول مردم؟

چهارم: برخی دین شناسان برآنند که از دو آیه قرآن درباره حجاب به هیچ وجه نمی توان وجوب حجاب شرعی را استنتاج کرد چه رسد که منکر آن را منکر ضروری دین به شمار آورند. آیت الله خمینی درباره نماز و حج که وجوب آن محل اختلاف نبوده گفته است اگر مسلمانی گمان کند در صدر اسلام واجب بوده ولی امروز واجب نیست، باز هم مسلمان است (الطهاره ج۳: ۳۲۷-۳۲۸) چه رسد به حجاب که در آن حد نیست.

پنجم: همه مردم- خصوصاً زنان- می فهمند حجاب چیست ولی به زور آنان را وادار می کنند که پوشش خاصی داشته باشند. علم فیزیک و شیمی، رفتارهای جهان را شناخته و بیان می کنند اما در این جا، محل نزاع، یک بحث حقوقی و اخلاقی است. سخن بر سر تحمیل یک سبک زندگی به مردم است، نه بیان رفتارهای جهان. آیا از نظر اخلاقی و حقوقی تحمیل یک سبک زندگی و پوشش خاص مثل روسری به زنان مجاز است؟

ششم: فرض کنیم در اسلام حجاب شرعی جزو مسلمات باشد. اگر زنانی آن را نخواهند، چه باید کرد؟ آیا از نظر اخلاقی، حقوقی، حقوق بشری و دینی می توان با زور با آنان برخورد کرد؟ یعنی اسلام دین زوری است؟ دین زورکی چه حاصلی دارد؟

خطیب جمعه تهران نیز پیشتر گفته است: «در بیش از ۱۰ آیه قرآن و ده ها روایت سخن از حجاب است، کسی نمی تواند قرآن را قبول داشته باشد اما حجاب را قبول نداشته باشد. از مراجع عظام تقلید پرسیدند که آیا حجاب از ضروریات دین است و حکم بی اعتنایی به آن چیست؟ اکثر مراجع در پاسخ گفتند که حجاب از ضروریات دین است و رهبری نیز تاکید داشتند که اصل حجاب ضرورت دین است و بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت است.

وی با بیان اینکه منش بانوان ایرانی حجاب و پوشش بوده، گفت: تاریخ بی حجابی در این کشور به دو نفر باز می گردد؛ اولین فرد قرة العین بهایی بوده که در سال ۱۲۶۳ با بی حجابی مردم را به بهایت دعوت می کرد و دومین فرد رضاخان قلدر بود که در ۱۲خرداد ۱۳۱۳ او را به ترکیه بردند و ۱۰ روز به او یاد دادند چطور دین ستیز باشد و اولین چیزی که یادش دادند این بود که برای پیشرفت باید حجاب برداشته شود، آن هم به عنوان نوکر و برده پذیرفت و آمد و عمل کرد (ایسنا یکشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۱).

۱- معلوم نیست ده آیه در اثبات مدعای خود را از کجا آورده اند؟

۲- کشف حجاب رضاخان ممنوعیت روبنده و چادر بود و برای داشتن روسری ممنوعیتی وجود نداشت مگر آنکه مأمورانی برای خوش رقصی، خلاف آن عمل می کردند. کسی هم اجازه برهنگی نداشت.

۳- می گویند حجاب اجباری قانون است پس الزامی است. پیشتر توضیح داده شد که مصوبه مخالف با اصول پیشینی، اعتبار ندارد لذا اگر کسی این اصل بنیادی حقوقی را قبول نداشته باشند دیگر با کشف حجاب رضاخان هم نمی تواند مخالفت کند زیرا انها می گفتند کشف حجاب قانون است.

آنها که می گویند چون حجاب اجباری قانونی است حق مخالفت با آن را ندارید، باید بسیاری از قوانینی که در دنیا ناعادلانه اند را هم بپذیرند زیرا تصویب شده اند و طبق این ادعایشان تلاش برای تغییر قانون هم نادرست است و باید نقد قوانین را ممنوع و آزادی بیان را رسماً مردود و مجلس را هم باید تعطیل کرد.

اگر بگویند حرف رضاشاه قانون نیست، انوقت نمی توانند مخالفت خیلی افراد با حرف ها و اوامر و نواهی رجال و رهبران حکومت خود را مکافات بدهند.

۴- اما ادعای اینکه حجاب ضروری دین است، از نظر علمی سخنی سست است. در نامه بلندی به ایت الله مکارم که با پاسخ کلی و نارسای دفتر ایشان مواجه شد ادله نادرستی این سخن را بیان کردم که در مجله حوزوی تقریرات انتشار یافت. برای پرهیز از تکرار به همان منبع ارجاع می دهم که در لینک زیر در دسترس است:

۳NlqtaJ/https://bit.ly

## پاره هشتم نفی تَغَلُّب

سال هاست درباره موضوع حجاب از منظر فقهی توسط برخی مراجع ومجتهدین تا متخصصان علوم اسلامی و نیز پژوهشگران علوم اجتماعی و حقوقدانان...به اندازه کافی سخن گفته شده و هیچ پشتوانه دینی و حقوقی معقول و محکمی برای روسری اجباری حکومتی وجود ندارد و در برابر منطق و استدلال مخالفان هم پاسخ درخوری وجود نداشته است.

با اینحال روش های تهدید و اجبار از سوی نهادهای حکومتی و هواداران ادامه دارد و نشان می دهد اساسا مسئله، دیگر مسئله فکری و فقهی و استدلالی نیست، حیثیتی، عاطفی، سیاسی و روکم‌کنی و مقابله است و اِبایی از اینکه بازهم عده ای کشته و مجروح و زندانی شوند ندارند. این یعنی اعلام جنگ به جامعه به جای تدبیر و پذیرش واقعیت.

واقعیت این است که تغییر فرهنگی عمیقی رخ داده است. اکنون کانون نزاع این است که برخی می پندارند که می توان در برابر تغییر مقاومت کرد و به جای مدیریت، با جبر و تَغَلُّب به اجرای احکام دین پرداخت. فارغ از اینکه چنین تفکری، جنایی، ضد حقوق بشر و شرع است اساسا تاریخ نشان داده امکان عملی ندارد و به قول حکما «القسر لا یدوم».

آیت الله منتظری در پاسخ به این پرسش که برخی معتقدند اگر اکثریت مردم از پذیرش اسلام یا حکومت دینی روی گردانند، اقلیت حاکم "تکلیف" دارند که اکثریت را مرعوب یا سرکوب کنند و "نظام اسلامی" را حفظ نمایند؟ پاسخ می دهد: «در هر صورت خشونت جهت کسب قدرت (تغلب) بدون رعایت خواست مردم به ویژه نخبگان و آگاهان به مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه جایز نیست...و اگر حکومت با استفاده از زور و خشونت ایجاد شود، سپس اقدام به ستمگری کرده و اکثریت مردم از آن ناراضی باشند، و تمامی راه های مسالمت آمیز برای تغییر مناسبات ظالمانه و عادلانه کردن سیاست ها بسته شده باشد و تنها با بهره گیری از زور این تغییر ممکن باشد، استفاده از زور - در حداقل ممکن، که بتوان با آن ظلم را برطرف نمود - برای تغییر حاکمیت غاصب ظالم، عقلا و شرعا مجاز بلکه لازم خواهد بود. بنابراین تغییر حاکمیت مورد قبول اکثریت دیندار با استفاده از زور یا - بالعکس- باقی ماندن در حاکمیت بدون رضایت آنها جایز نیست» (حکومت دینی و حقوق انسان ص۴۹و۵۰).

ممکن است گفته شود اجبار به حجاب خواست اکثریت مردم است.

۱- اولا این ادعا باید ثابت شود.

۲- نتایج نظرسنجی های مختلف مستقل و دولتی خلاف این ادعاست.

۳- اکثریت، مجاز به نقض حقوق یک فرد هم نیست. در اعراب بادیه نشین، فرهنگ غالب، زنده به گور کردن دختران بود. آیا چون اکثریت داشتند می توان مبارزه حضرت محمد (ص) با آن را نادرست قلمداد کرد؟

۴- فرضا خواست اکثریت باشد (که نیست)، آیا اکثریت می تواند اقلیت را مجبور به پیروی از عقیده خود کند؟ چرا پیامبر در قلمرو خود که اکثریت داشت نه تنها در زمینه حجاب که درباره عقاید دیگر هم رای اکثریت را تحمیل نکرد و پیروان ادیان دیگر را در عمل به دین خود آزاد گذاشت؟

۵- اکثریت اگر ۹۹ درصد و اقلیت حتی یک نفر هم باشد حق ندارند او را مجبور به تبعیت از خود کنند.

۶- بر فرض که هم اکثریت می خواستند، هم مجاز بودند تحمیل کنند. آیت الله خمینی در بهشت زهرا یک اصل حقوقی مهم را بیان کرد که باید به ان ملتزم بود و دست کم اینکه وقتی رهبری انقلاب گفت و مردم آن را پذیرفته اند این اصل علاوه بر اینکه مستقل از موافقت و مخالفت اکثریت معتبر و اعتبارش ذاتی است در واقع مورد تایید اکثریت هم قرار گرفته و پیمانی است که حکومت نمی تواند نقض کند. قاعده این بود که پدران ما اگر به رژیم پهلوی رای دادند برای دوره خودشان معتبر بوده و انها نمی توانند برای ما تعیین تکلیف کنند.

۷- اکنون ۴۴ سال از آن پیمان می گذرد و دو نسل پس از آن ظهور کرده است. آیا نسل های قبلی می توانند برای نسل امروز تعیین تکلیف کنند؟ اگر قرار است مبنا، رای مردم باشد باید دوباره رای گیری کنند. اگر مبنا حقوق بشر است هیچ مجوز حقوقی برای اجبار نیست. اگر مبنا بر دین است نه تنها هیچ مجوزی از نظر دینی برای اجبار وجود ندارد بلکه دین هم باید موافق با خواست مردم باشد و یک اقلیت نمی تواند باور دینی خود را به اکثریت تحمیل کند. این ضد دین و ضد حقوق و حقوق بشر است. هیچ رای گیری برای این موضوع انجام نشده است. بگذریم که حقوق ذاتی افراد نیازی به رای گیری ندارند.

۸- متاسفانه سیطره تفکر نظامی- امنیتی سبب شده به‌جای منطق و استدلال، فریب تشبیهات و استعاره های نظامی را بخورند و در مواضع مختلفی با بیان اینکه اینجا سنگر است و اگر از این خاکریز عقب نشینی کنیم دشمن جری می شود و نباید گذاشت از این خاکریز عبور کنند و... بر مواضع نادرست پافشاری کرده و همگان را به پرتگاه نزدیک تر و کشور را مستعد خشونت می کنند.

## پاره نهم حجاب مساوی با دین؟

خبرگزاری فارس می نویسد: جمله «حجاب محدودیت شرعی و قانونی بوده و کشف حجاب، حرام شرعی و سیاسی است» «فصل الخطاب مقام معظم رهبری» است. این سخن در اظهارات مسئولان مختلف منعکس است چنانکه آقای رئیسی در آیین افتتاح سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن می گوید: «حجاب یک ضرورت دینی و الزام قانونی است».

درباره الزام قانونی و نیز ضرورت شرعی داشتن حجاب، در سطور پیش توضیح داده شد و در فرازهای پسین نیز این بحث دنبال خواهد شد اما شگفت این است که آقای رئیسی می گوید «ممکن است کسانی هم باشند که به این مفاهیم الزام و اعتقادی نداشته باشند که در این جا استفاده از ظرفیت مراکز علمی، مباحثه و گفت‌وگوهایی اقناعی مورد تاکید ما است».

البته عدم اعتقاد به این مفاهیم رسمی نه محتمل وممکن، بلکه قطعی است و اینکه به جای داغ و درفش بخواهند گفتگو کنند، مطلوب است، ولی مگر گفتگوی اقناعی از موضع حکومت و قوای قهریه معنا دارد؟

از آن مهم‌تر اینکه وقتی پیش فرض این باشد که طرف مقابل بر باطل است و باید با گفتگو قانعش کنیم دیگر گفتگو معنا ندارد. پیش‌شرط گفتگو پذیرش احتمال خطا در خود و احتمال صواب در رقیب است.

البته تا وقتی که نداشتن روسری را در حد حرام بدانند و حتی در این راه به تلاش فکری و فرهنگی بپردازند و حق تلاش برای مخالف خود را هم به رسمیت بشناسد، ایرادی ندارد، چنانکه محرمات زیادی وجود دارند که گناه تلقی می شوند اما کسی بخاطر آن مجازات نمی شود، ولی اگر این «حرام انگاری» تبدیل به مساوی دانستن بی حجابی با بی دینی بشود و یا تبدیل به «جرم انگاری» شود، و یک تفکر نادرست مذهبی درباب حجاب مجهز به قوای قهریه گردد، پیامدهای خطرناکی علیه شهروندان دارد و منجر به «تَغَلُّب» می شود.

در کیفرخواست مولود حاجیزاده و در رای دادگاه نادر افشاری و ۸ نفر دیگر که توسط شعبه ای به ریاست آقای مقیسه صادر شده، به عبارتی برخوردم که بسیار مهم است. فارغ از اینکه بعضی گفته اند حجاب ازضروریات دین است اما در این دو سند قضایی آمده است که مخالفت با حجاب اجباری (نه مخالفت با اصل حجاب) توهین به احکام اسلام و شریعت است و نیز گفته شده که نفی حجاب، اهانت به مقدسات اسلام است.

غیر از اینکه مخالفت با حجاب اجباری، مخالفت با اصل حجاب نیست، این ادعا خودش مصداق اهانت به بخش عظیمی از شهروندانی است که از متدینان و بانوان محجبه اند و با حجاب اجباری مخالفند. اتفاقا خاستگاه این بانوان، دفاع از حجاب است زیرا معتقدند روسری اجباری، وهن حجاب بوده و ارزش سبک زندگی انتخابی انها را هم زیر سوال می برد.

چنین ادعایی دریک سند قضایی، از نظر حقوقی به معنای متهم کردن میلیون ها دیندار در جهان که بدون پوشش سر هستند به بی دینی است، که خودش گناه بزرگی است.

اما از نظر فقهی، انکار اصل حجاب، انکار دین نیست. اینکه حجاب مساوی با دین و شریعت است نه تنها هیچ پایه دینی ندارد و نوعی عوامفریبی است بلکه ادعایی ضددینی است.

افزون بر اینکه از یک جزء، یک قاعده کلی (انهم کلی با آن درجه از اهمیت) را نتیجه گرفتن با منطق درست اندیشیدن مطابقت ندارد و برخلاف قاعده «الجزیی لا یکون کاسبا و لا یکون مکتسبا» است، فقها نیز آن را بی مبنا و خلاف شرع می دانند. آیت الله خمینی در کتاب «الطهاره» حتی در بحث نماز که جزو فروع دین و از واجبات مسلم است می گوید اگر کسی بخاطر شبهه، نماز را جزو دین نداند کافر نیست.

در قرآن اینهمه درباره امر به معروف و نهی از منکر آمده و اگر حجاب که می گویند دستور قرآن است، آنقدر مهم است که دین را و جامعه را و حق الناس را فدای آن کنند لااقل یکبار در قرآن مانند قتل و ربا و زنا به منع آن اشاره می شد.

پی نوشت:

۱ - تسنیم ۳۱ فروردین ۱۴۰۲: ماجرای ارسال "پیامک انبوه و همگانی حجاب" چه بود؟
۲۸۸۲۶۴۶/https://tn.ai

۲ - ایسنا جمعه / ۱۷ تیر ۱۴۰۱ کد خبر: ۱۴۰۱۰۴۱۷۱۱۷۵۷ خاتمی: هم اختلاس گناه است هم بی حجابی
/۱۴۰۱۰۴۱۷۱۱۷۵۷/https://www.isna.ir/news

۳ - در تاریخ ۲ ژانویه ۲۰۲۳ برابر با دوشنبه، ۱۲ دی ۱۴۰۱ در همین زمینه یادداشت کوتاهی را در صفحات خود (تلگرام، اینستاگرام، فیس بوک و وبسایت) منتشر کردم با عنوان «تغییر روش اجبار برای ادامه لجبازی»: «اجبار» ناموجه برخلاف حق آزادی و امنیت شخصی و موجب خشم و طغیان است و تغییر روش اجبار نتیجه را تغییر نمی دهد. قبلا اجبار به وسیله گشت ارشاد، کنترل از طریق دوربین های شهری و پیامک جریمه و لباس شخصی ها بود حالا از طریق پلمپ مراکز فروش و ارائه خدمات به بی حجاب!

روش گروگانگیری معیشت مردم، اقدامی برای حل یک مشکل خودساخته و بی بنیاد است که مشکل لجبازی گروه اقلیتی سیاستمدار است نه مشکل مردم. این روش، خلاف قانون و غیر انسانی است. کدام مغز نابغه ای! این «چهنمود» را به عنوان «رهنمود» ارائه کرده است؟

اگر گشت ارشاد موجب خشم ملی و جنبش مهسا و در نتیجه این عقب نشینی شد، روش بدعت آمیز گروگانگیری، نتیجه ای بنیاد برافکن خواهد داشت.

از لجاجت دست بردارید. این لجبازی کاملا سیاسی است، حجاب اجباری خلاف حقوق انسانی است و نه تنها مبنای دینی ندارد که خلاف شرع هم هست و بسیاری از دینداران سنتی نیز با حجاب اجباری مخالفت کرده اند.

۴ - ایسنا یکشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۱
/۱۴۰۱۰۴۱۷۱۱۷۵۷/https://www.isna.ir/news

۵ - رئیسی در آیین افتتاح سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم: حجاب یک ضرورت دینی و الزام قانونی است
-A۸٪.D۸٪.A۷٪.AC٪.D۸٪.AD٪.D۸٪.D۸٪./۲۶۲۳۰۶/https://kayhan.ir/fa/news
AF٪.D-٪.AA-٪.D۸٪.D۸٪.B۱٪.D۸٪.۸۸٪.D۹٪.B۱٪.D۸٪.B۶٪.D۸٪.-۸C٪.DA٪.A۹٪.DB٪.
-٪.-۸۵٪.D۹٪.A۷٪.D۸٪.B۲٪.D۸٪.۸۴٪.D۹٪.A۷٪.D۸٪.-۸۸٪.۸C-٪.D۹٪.DB٪.۸۶٪.۸C٪.D۹٪.B
AA٪.D۸٪.B۳٪.D۸٪.A۷٪.۸C-٪.D۸٪.DB٪.۸۶٪.D۹٪.۸۸٪.D۹٪.۸۶٪.D۹٪.A۷٪.D۸٪.۸۲٪.D۹